

# هو الله - ای دوستان الهی و یاران معنوی خداوند عالمیان...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۱۳۵

هو الله

ای دوستان الهی و یاران معنوی خداوند عالمیان در قرآن حکیم میفرماید و لکم فی رسول الله اُسوةٌ حسنةٌ، یعنی متابعت حضرت اسوة حسنه است و اقتداء به آن مقتدای حقیقی سبب حصول نجات در دو عالم. امت رسول مأمور به اتباع در جمیع امور و شئون بودند و چون افرادی این منهج قویم را صراط مستقیم دانسته سلوک نمودند در اقلیم راستان و کشور خاصان ملوک گردیدند و نفوسی که در راحت و حصول آسایش کوشیدند خود را از جمیع مواهب محروم نمودند و در اسفل حفرة یأس معدوم یافتند ایامشان به سرآمد و خوشیشان به پایان رسید صبح روشنشان تاریک شد و جام صافیشان دُرْد آلود و غبار آگین نجم بازغشان آفل شد و کوکب لامعشان غارب.

اما آن نفوس مقدسی که تآسی نمودند در افق اعلی چون نجوم هدی بدرخشیدند و در مطلع آمال به انوار بی مثال ساطع گشتند بر سریر سلطنت جاودانی نشستند و بر تخت کامرانی رحمانی استقرار یافتند آثارشان باهر است و انوارشان لامع کوکبشان درّی است و موکبشان افواج ملائکه افلاک سرمدی قصرشان مشید است و بنیادشان وطید نورشان جهان افروز است و حرارتشان جهانسوز. حال قیاس نمائید نفوسی که تآسی به آن نور مبین نمودند به چنین مواهب و مراتب فائز شدند حال ما اگر تآسی به جمال ابری و حضرت اعلی روحی لمن استشهد فی سبیلهما الفداء نمائیم چه خواهد شد. حضرت اعلی از بدایت



ORIGINAL



AUDIO

طلوع جمالش تا یوم شهادت کبری شب و روز را در اشدّ بلا در سبیل خدا گذرانند و آخر الکأس سینه را هدف هزار تیر بلا فرموده با سینه شرحه شرحه به ملکوت ابهی شتافتند. جمال قدم اسم اعظم زهر هر بلائی چشیدند و جام لبریز هر ابتلائی نوشیدند سینه را هدف هر تیر نمودند و گردن را رهین هر شمشیر فرمودند. اسیر زندان گشتند و بسته زنجیر بی امان عرصه هجوم اعدا شدند و هدف رجوم اشرار مقهور سلاسل و اغلال گشتند و مغلول وثاق و اصفاد، بعید از اوطان گردیدند و سرگون بلاد بلغار و سقلاب شدند در سخن اعظم مبتلای بالای مبرم گشتند و اسیر ظلم و ستم.

در این زندان جفا و بتر ظلماء ایام مبارکش به سرآمد و صعود به ملکوتش فرمود. حال ای دوستان با وفا و یاران آن طلعت نوراء آیا سزاوار است که دیگر دقیقه ای ما آسوده نشینیم و صبر پیشه گیریم و آسایش و راحت جوئیم تا در آزمایش و کسالت افتیم و به خیالات خویش پردازیم و به بیگانه و خویش دل بندیم؟ لا و الله. باید شب و روز آنی نیاسائیم و دل پاک را به آرایش این عالم نیالائیم، بزم فدا بیارائیم و جشن عشق برپا نمائیم و با چنگ و دف و نی به آهنگ ملکوت ابهی نغمه سرائیم و رقص کمان شادمان و خندان به قربانگاه فدا بشتاییم و جان و تن و سر و بدن انفاق نمائیم. ای یاران وفائی و ای دوستان ثبوت و استقامتی ای مبتهلان تشبث و توسلی ای متضرعان تعلق و تمسکی هر یک باید مشوق دیگری گردیم و محرک سائرین شویم و در نشر نفعات الله کوشیم و به اعلاء کلمه الله پردازیم از نسیم گلشن عنایت دائماً مهتر گردیم و از شمیم گلزار احدیّت ملتذ شویم در قلب ابرار شوق و شور افکنیم و در دل احرار وله و سرور اندازیم. حمد خدا را که جنود ملکوت ابهی در هجوم است و نجوم افق اعلی در سطوع و سبوح علم هدی در جنبش است و سحاب عنایت در ریزش و نیرافق معانی در تابش جشن و عیش ملکوت در نهایت مسرت است و صبح عنایت ناشر پرتو هدایت آهنگ ملکوت ابهی است که از ملأ اعلی میرسد:

ای مرده بی جان و دل جاندار شو جاندار شو،  
 ای خفته در آب و گل بیدار شو بیدار شو،  
 ای مست و مدهوش و مضلّ هوشیار شو هوشیار شو.  
 آفاق عنبر بار شد احداق پرانوار شد،  
 اشراق آتش بار شد از جان و تن بیزار شو بیزار شو.  
 هنگام قربانی بود انفاس رحمانی بود،  
 اسرار ربّانی بود بر عاشقان سردار شو سردار شو.  
 گلبانگ مرغ خوش سخن بر شاخ سرو اندر چمن  
 درس معانی میدهد تو محرم اسرار شو تو محرم اسرار شو. ع ع

